

بیداری و پراکندگی و پریشانی و مسئولیت درمی‌گذرد و به جهان شبانۀ ناخودآگاه قدم می‌گذارد. هنرمندانی که لحظات خلاقیت را تجربه کرده‌اند چنین حالاتی را بهتر درمی‌یابند. این همان هم‌خویشی با فرشته و عروج در عالم معناست؛ حالتی که در عرفان به سُکر تعبیر می‌شود. بر این اساس، انتخاب تصویرها، نغمه‌ها و واژه‌ها به اختیار هنرمند نیست و در فضای شهودی صورت می‌گیرد. از این رو، برای شناخت اثر هنری، شناخت زمینه‌های روانی و شخصیتی خالق اثر لازم است. خلق اثر هنری به ناخودآگاه و فطرت انسان مربوط و در آن از نمادها بهره‌جویی می‌شود. مؤلف درصدد آن است که پاسخ فرایند تولد اثر هنری را بیان کند. در زبان سمبلیک، دنیای برون جلوه‌ای از دنیای درون یا روح و ذهن انسان است. وجود نمادهای جهان‌شمول فرضیۀ «ناخودآگاه جمعی» یونگ را اثبات می‌کند. از نظر یونگ، پژوهش در اعماق و ناخودآگاه انسان با بررسی زمینه‌های مشترک انسانها و کهن‌الگو (archetype) ها مربوط است. رابطه میان غریزه‌ها و کهن‌الگوها به

نخستین اقوام مهاجر از سوی غرب^۱ اترج.پ. مالوری^۲ و و. ه. میر^۳، بین‌النهرین باستان: بهشت عدنی که هرگز نبود^۴ اثر سوزان پولاک^۵، دیلمون (جزیره بحرین) و همسایگان آن در خلیج فارس^۶ اثر هری‌یت کرافورد^۷، روم و شاهنشاهی ایران: رویارویی و همزیستی دو قدرت جهانی^۸ اثر انگلبرت ویستر^۹ و بیاتنه دیگناس^{۱۰} معرفی شده‌اند.

«گزیده مقاله‌های ایران‌شناسی» عنوان بخش دیگری از این شماره را تشکیل می‌دهد که در آن، در دو قسمت مقاله‌های فارسی و مقاله‌های به زبانهای خارجی، گزیده‌ای از مقاله‌های تازه ایران‌شناسی در نشریات گوناگون فارسی و خارجی معرفی شده است. در بخش پایانی مقالات خارجی نیز چکیده‌ای از مقالات فارسی به زبان انگلیسی مندرج است.

آ. ر.

مقاله

امامی، صابر، «نزول معنا»، فصلنامه هنر، زمستان ۱۳۸۱، شماره ۵۴، صص ۲۳-۳۳.

در این مقاله، نویسنده، با الهام از آراء یونگ، مفهوم نماد را در معنای وسیع آن و نه تنها از جهت زبانی، در رابطه با کیفیت آفرینشهای ادبی بررسی می‌کند.

مؤلف مقاله از آراء یونگ و روژبهان بقلی و بابک احمدی به این برداشت می‌رسد که نماد و نمادپردازی حرکتی از برون به درون، از ظاهر به باطن، از کثرت به وحدت است و نماد، با فشردن معانی در وجودی (نشانه‌ای) واحد، کثرت را در وحدت به نمایش می‌گذارد. خالق هر اثر هنری وقتی می‌تواند به نمادی دست یابد که از دنیای

1) *The Tarim Mummies; Ancient China and the Mystery of the Earliest Peoples from the West*

2) J. P. Mallory

3) V. H. Mair

4) *Ancient Mesopotamia: The Eden that Never Was*

5) Susan Pollock

6) *Dilmun and Its Gulf Neighbours*

7) Harriet Crawford

8) *Rom und das Perserreich. Zwei Weltmächte zwischen Konfrontation und Koexistenz*

9) Engelbert Winter

10) Beate Dignas

این صورت است که آنچه ما غریزه می‌نامیم کنشهای فیزیولوژیکی هستند و با حواس قابل درک‌اند؛ اما در خیال‌بافیهای ما نیز ظهور دارند و نمود آنها فقط با صور نمادی پدیدار می‌گردد. این نمودها کهن‌الگوها هستند. پس بین کهن‌الگوها و غریزه رابطه نزدیکی وجود دارد. در حقیقت، صور نمادی را میوه‌های درخت کهن‌الگو می‌توان انگاشت که در آخرین لحظه کمال به هنگام آفرینش هنری در خودآگاه ظاهر می‌شوند.

می‌توان این معنی را به نوعی در عبارت قرآنی «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (بقره ۲: ۳۱) نیز سراغ گرفت. به نظر نویسنده، مراد یونگ از زمینه مشترک همان حقیقتی است که در زبان قرآن فطرت نام گرفته است و کهن‌الگوها، بر اساس مایه‌های واحد و اصلی، در روان آدمی ظاهر می‌شوند و هنرمند در سیر به عالم معنا و توسل به قدرت نطق و ساختمان وجودی منحصر به فردش به این کهن‌الگوها و دنیای تصاویر می‌رسد و خویشتن خویش را در قالب واژگان و متنها و تصاویر جلوه‌گر می‌سازد. معنا در آن سوی واژگان است. انسان، در سفر به جهان بی‌کران معانی، به ذات خود، یعنی اشرف مخلوقات، نقب می‌زند و، پس از کشف خود، خویشتن را در قالب واژگان و متنها و تصاویر و آیینها به مخاطبان عرضه می‌دارد. در همین مراحل نزول است که شکوفه‌های نماد بر درخت زبان ظاهر می‌شوند. چون حقایق محض در معبر نزول به مرتبه اسماء برسند، فطرت یا ناخودآگاه، با گذشتن از نشانه‌ها، از طریق کلمه و سخن، اعتبار و مقام می‌یابد.

صابر امامی با ذکر نخستین ابیات مخزن الاسرار نظامی به مطلع

بسم الله الرحمن الرحيم
هست کلید در گنج حکیم
با زبانی فاخر و شاعرانه به نتیجه‌گیری نهایی می‌پردازد:

خالق اثر هنری وقتی به نمادهای لازم دست می‌یابد و اثری را می‌آفریند که از مرز خودآگاه، مرز بیداری و پراکندگی و پریشانی و اراده و تعهد و... درمی‌گذرد و به جهان وسیع معانی، جهان زلال همبستگی، و جهان شبانه ناخودآگاهی... جهان فرشتگان الهی در زبان مذهب و جهان ملکوت در زبان عرفان، قدم می‌گذارد...

زآتش فکرت چو پریشان شوند
با ملک از جمله خویشان شوند

ث. پ.

تسوکلی، مسعود، «گفت‌وگو با دکتر امیلیا نرسیسیانس درباره نقش دوزبانگی در پیشبرد فرهنگ»، فرهنگ و پژوهش، ۲۳ تیر ۱۳۸۳، پیاپی ۱۵۴، ص ۲۴-۲۵.

«نقش دوزبانگی در پیشبرد فرهنگ» عنوان گفت‌وگویی است که امکان شناخت بیشتر دکتر امیلیا نرسیسیانس، استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، را فراهم آورده است. نرسیسیانس دوره کارشناسی ارشد خود را در رشته انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی زبان از دانشگاه سالفورد انگلستان و دوره دکتری خود را در رشته جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت از دانشگاه سنچری آمریکا گذرانده است، از جمله آثار او کتابی است با عنوان مباحثی در دوزبانگی از دیدگاه علوم اجتماعی که، در سال ۱۳۸۲ به همت پژوهشکده مردم‌شناسی میراث فرهنگی، منتشر شده است.

دانشجویانی که به مباحث مربوط به چندزبانگی می‌پردازند خود، به نوعی، با این زبانها رابطه دارند. مسئله دوزبانگی تاریخیچه‌ای دارد. در آغاز، نگرش کشور مقصد مهاجرپذیر نسبت به دوزبان‌هایی که با زبان مقصد ناآشنا بودند قوم‌مدارانه بوده است. با گذشت زمان و بزرگ‌تر شدن جامعه دوزبان‌ها در کشورهای مهاجرپذیر، شناخت اجتماعی نسبت به این افراد عمیق‌تر شد و این تصور باطل که دوزبان‌ها به لحاظ عقلانی و شعور عقب‌مانده‌اند از میان رفت تا جایی که اکنون این تصور وجود دارد که دوزبان‌ها نه تنها دارای استعداد شناخت‌اند بلکه، چون مدام در حال رفت و آمد و برخورد با فرهنگهای گوناگون‌اند، نسبت به جامعه خود سازگارتر و مثبت‌ترند.

نرسیسیانس، به دلیل ضعف و کمبودهای نظام آموزش و پرورش، مسئله دوزبانگی را در استانهای بحرانی می‌داند. به نظر وی، با وجود همایشهایی که در زمینه دوزبانگی برگزار شده و با آنکه پژوهشگران مجرب برای ارزیابی به استانهای دوزبان‌ها اعزام شدند، یگانه اقدام حاصل این فعالیتها آن شد که دانش‌آموزان دوزبان‌ها یک ماه زودتر به مدرسه بروند. به نظر نرسیسیانس، این تدبیر بازدهی ندارد؛ چون دانش‌آموز و خانواده او نمی‌توانند خود را با این نظام منطبق سازند. لازم است برنامه‌ریزان نظامی را پیش‌بینی کنند که قابلیت انعطاف و انطباق با وضع مشمولان آن داشته باشد.

در کشورهای غربی، الگوهای مخصوص آموزش دوزبان‌ها طراحی می‌شود. در ایران نیز بهتر است سیاست‌گذاری در سطح کلان و کشوری انجام گیرد. چنانچه نسلی با نظام صحیح پرورش

در این گفت‌وگو، برخی از مسائل جالب، از دید این جامعه‌شناس زبان، درخور بحث و بررسی مطرح شده است.

زبان در شناسایی برخی عوامل مانند صدا، جنسیت، سن، سواد، وابستگی طبقاتی، نوعی نشانه است. از نظر فرهنگی نیز، زبان اطلاعات گوناگونی درباره سخنگو به دست می‌دهد. دوزبان‌ها از این حیث وضع دیگری دارند. تحقیقاتی که در استانهای دوزبان‌ها شده است نشان می‌دهد که اطفال دوزبان‌ها اُفت شدید تحصیلی دارند و این اُفت در درسهایی چون دیکته و ریاضی آشکار می‌گردد.

امیلیا نرسیسیانس از مهاجر بودن رشته‌هایی چون جامعه‌شناسی زبان یا زبان‌شناسی اجتماعی در ایران گله‌مند است. به نظر وی، مجموعه تحقیقاتی که در زمینه زبان‌شناسی با رویکرد به بافت فرهنگی-اجتماعی می‌شود اندک است. وی علت این کم‌توجهی را تازگی این علم مطرح می‌کند - علمی که بیشتر از یک ربع قرن از ظهور آن نمی‌گذرد. شمار پایان‌نامه‌های این حوزه در دانشکده توان‌بخشی و دانشکده علوم تربیتی شاید به سی نیز نرسد. رشته جامعه‌شناسی زبان، هرچند به طور مستقل وجود دارد، عموماً نه در گروههای زبان‌شناسی دانشکده‌های ادبیات تدریس می‌شود نه در دانشکده‌های علوم اجتماعی. در میان دانشجویانی که تحصیل خود را در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری ادامه می‌دهند به جامعه‌شناسی زبان گرایش کمتری نشان می‌دهند.

موضوع دیگر این گفت‌وگو بررسی وضعیت تحقیقات در حوزه جامعه‌شناسی زبان است. ایران کشوری چندزبان‌ها و چندفرهنگی است. معمولاً

یابد، فواید آن عاید کل جامعه خواهد شد. نرسیسیانس، ضمن آنکه جامعه ایرانیان (جامعه دوزبانه) را در کشورهای آمریکا و کانادا جامعه‌ای موفق ارزیابی می‌کند، از مشکلاتی که ممکن است برای این جامعه پیش آید غافل نیست. در بسیاری از کشورها، نظیر کشور ایران، امور بر اساس روابط شکل می‌گیرد و حال آنکه این روابط در کشورهای مهاجرپذیر نقش تعیین‌کننده ندارد و عموماً تنها شایستگی فردی است که ملاک ارزیابی قرار می‌گیرد. بدین سان، فرد، پس از آنکه در اجتماع موقعیت و منزلتی یافت، به زندگی جدی‌تر می‌نگرد. درباره روش تحقیق در این مبحث، به نظر وی موضوع تحقیق است که آن را مشخص می‌کند. بسته به اینکه چه مسئله‌ای از زبان در بافت اجتماعی موضوع تحقیق قرار گیرد روش تحقیق فرق می‌کند. در حال حاضر روشها اغلب توصیفی است که ارزشداوری درباره آن هنوز میسر نیست. از مسائل دیگر بحث دوزبانی‌گری بررسی الگوهای موسوم به «افزایشی» و «کاهشی» است. در الگوی «افزایشی»، این نتیجه به دست می‌آید که فرد هر قدر بر زبان مسلط‌تر باشد در تعاملات اجتماعی مجهزتر و موفق‌تر است. در این وضعیت فرد به دوزبان و فرهنگ آنها تسلط دارد. در الگوی کاهش، این نتیجه حاصل می‌شود که شمار زبانهایی که فرد با آنها آشناست هرچه کمتر باشد آن فرد مهجورتر خواهد بود. نرسیسیانس، در بخش پایانی، به انواع دوزبانه‌ها اشاره می‌کند: دوزبانه‌های طبیعی که فرد، در آن، هردو زبان را در محیط طبیعی بیاموزد و به کار برد؛ دوزبانه‌های مدرسه‌ای، که فرد، در آن، یکی از دو زبان را در محیط طبیعی نیاموخته و با فرهنگ آن

آشنا نشده باشد؛ دوزبانه‌های نخبه (مانند فرزندان سفیران و استادان دانشگاهها)؛ دوزبانه‌هایی که زبان را صرفاً برای کارکرد جاری آن می‌آموزند. نتیجه گفت‌وگو این است که دوزبانی کامل تنها به دانستن زبان دوم نیست، باید با فرهنگ آن زبان نیز آشنا شد. ث. پ.

خطیبی، ابوالفضل، «بیتهای زن‌ستیزانه در شاهنامه»، نشر دانش، سال بیستم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۲، ص ۱۹-۲۶.

در شاهنامه فردوسی، ابیات بسیاری در توصیف و ستایش صفات ظاهری و معنوی زنان آمده است. در عین حال، گاهی به ابیاتی در نکوهش زنان برمی‌خوریم که نمی‌توان آنها را رأی حکیمی با آن متانت و عفت باطنی و وسعت نظر که در فردوسی سراغ داریم تلقی کرد. نویسنده، در این مقاله، نخست به نتایج نادرستی اشاره می‌کند که، پیش از این، به دلیل نبود متنی انتقادی از شاهنامه نسبت به زنان گرفته شده است؛ سپس با بررسیهای نسخه‌شناسی نشان می‌دهد که اغلب قریب به اتفاق این ابیات سروده کاتبان و شاهنامه‌خوانانی است که طی قرن‌ها بازخوانی و استنساخ بر شاهنامه افزوده‌اند. وی کوشیده است که ابیات سروده خود فردوسی را از ابیات الحاقی ساخته و پرداخته کاتبان تمیز دهد. ملاک او در این تشخیص قواعد و ضوابط نسخه‌شناسی است که از دیگر معیارها چون سبک‌شناسی و جز آن استوارتر است.

مؤلف، در بخش نخست مقاله، برخی ابیات زن‌ستیزانه را که به نظر وی الحاقی‌اند می‌آورد و، با

شمیسا، سیروس، «ملمعات گیلکی قاسم انوار»، فصلنامه ره‌آورد گیل، سال اول، شماره ۱، اسفند ۱۳۸۲، ص ۱۸۹-۱۹۳.

قاسم انوار شهرت سید معین‌الدین علی ابن نصیر ابن هارون متخلص به قاسم و قاسمی (۷۵۷-۸۳۷ هجری) از شاعران عارف مسلک ایرانی است که در تصوف مرید شیخ صدرالدین صفوی بود و همو به وی لقب قاسم انوار داد. اشعارش به تصریح مؤلف مقاله «متوسط الحال» است، اما اهمیت شاعر در ملمعات ترکی و گیلکی اوست که به لحاظ قدمت در ردیف اولین آثار به‌جامانده از این دو گویش محسوب می‌شوند. اینکه شاعر ملمعات ترکی سروده است چندان غریب نیست، چون شاعری ترک‌زبان و متولد سراب و ساکن همان خطه بود؛ اما گیلکی‌سرای وی را ناشی از تماس او با مردم گیلان و سفرهای او به گیلان دانست که، به اشاره مؤلف، با طریقت او یعنی تصوف ربط دارد. چه او از پیروان خاندان شیخ صفی‌الدین اردبیلی بود که میان اعضای آن در اردبیل و خاندان شیخ زاهد گیلانی در لاهیجان بستگی خانوادگی وجود داشت. مقاله شامل چهار بخش «مقدمه»، «زندگی قاسم انوار»، «گیلان در اشعار قاسم انوار» و «ملمعات گیلکی» همراه با اشعار گیلکی شاعر است. اهمیت اشعار گیلکی شاعر، که شمار آنها کم و همچون اشعار فارسی شاعر در حد متوسط است، در فواید زبانی آن است. مثلاً در یک رباعی گیل به معنای «گیل» که امروزه با یای معلوم تلفظ می‌شود با میل و سیل قافیه شده که می‌رساند گیل، در آن زمان، تلفظ یای مجهول داشته است.

نویسنده از گویشوران گیلک دعوت می‌کند که با استفاده از نسخه‌بدلها به تصحیح اشعار گیلکی

بررسی ضبط ۱۵ دستنویس اساس تصحیح خالقی مطلق، الحاقی بودن آنها را نشان می‌دهد. در بخش دوم، نیز ابیاتی را که فردوسی از زبان شخصیت‌های داستان سروده و یا بعضاً از زبان خود شاعر است می‌آورد و به تحلیل آنها می‌پردازد. به نظر مؤلف، ابهاماتی که تا کنون درباره دیدگاه‌های فردوسی در مسائل گوناگون از جمله صفات زنان پدید آمده عموماً ناشی از سه نقص است: (۱) تمیز ندادن ابیات الحاقی از اصلی؛ (۲) بی‌توجهی به منبع شاهنامه یعنی شاهنامه‌منثور ابومنصوری. در بررسی آن دسته از ابیات زن‌ستیزانه که بی‌گمان سروده فردوسی است، باید به این نکته نیک توجه داشت که اغلب آنها سخن فردوسی نیست بلکه نگرش منفی قهرمانان داستانها نسبت به زنان و برخاسته از منبع اوست که خود شاعر به امانت در نقل مطالب آن تصریح دارد و تناقضاتی را که در شاهنامه در نگرش به زن دیده می‌شود دلیل بر این معنی است؛ (۳) بررسی ابیات به صورت مستقل و به دور از بافت داستان و متن. چند بیتی نیز که در آنها زنان، از زبان خود فردوسی با لحنی ملایم نکوهش شده‌اند، باید، با توجه به بافت متن داستان بررسی شوند و نمی‌توان احکام آنها را تعمیم‌پذیر دانست. در پایان مقاله، مؤلف اظهار می‌دارد که در ابیات اصیل شاهنامه درباره زنان که بیانگر آراء خود فردوسی‌اند، برخلاف تفکر رایج آن دوران، تلفیق کاملاً عاطفی و احساسی نسبت به زنان انعکاس یافته است.

پژمان فیروزیبخش

قدیم هندی، تعارفات و القاب و خطابه‌های احترام‌آمیز و نثر مسجع دوره میانه هند به کار رفته است. در این نثر برخی الگوهای دستوری مختص زبان فارسی شبه‌قاره دیده می‌شود.
چندر شیکهر

شاعر همت‌گمارند چون، در تصحیح استاد سعید نفیسی، ضبط نسخه‌بدلها (مثل دو نسخه مدرسه عالی سپهسالار) لحاظ نگردیده و به تصحیح قیاسی بسنده شده است.
جعفر شجاع کیهانی

قربانف، س. ک.، «ناصر بخاری و متن انتقادی آثار او»، نامۀ پارسی، سال هشتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۲، ص ۱۹۵-۲۰۰.
مقاله درباره تصحیح انتقادی دیوان ناصر بخاری (یا بخارائی) معروف به درویش ناصر، شاعر مشهور فارسی‌گوی تاجیکی قرن هشتم هجری، است که بر اساس چهار نسخه خطی دیوان (م محفوظ در شهرهای نمنگان، دوشنبه، سنت پترزبورگ و تاشکند) و نسخه‌ای از مثنوی هدایت‌نامه محفوظ در شهر باکو در دست چاپ است. تاریخ کتابت نسخه‌های دیوان به ترتیب ۸۵۸ قمری، ۸۵۰ قمری، ۱۳۰۴ شمسی است. نسخه چهارم تاریخ کتابت ندارد. نسخه هدایت‌نامه، که به خط نستعلیق خوش کتابت شده، شش سال پس از نسخه نمنگان یعنی در ۸۶۴ قمری استنساخ شده است. نسخه‌هایی که مصحح از آنها استفاده کرده نسخه‌های نمنگان، سنت پترزبورگ، تاشکند و باکو است. به قول مصحح، تفاوت میان نسخه‌ها محدود به ضبط چند واژه یا عبارت نیست بلکه گاهی در کل مصرعهاست. در متن اشعار، بیش از یکصد بیت، افزون بر بیست مصرع، و نیز بیشتر از ۱۵۰ ردیف و واژه از قلم کاتب افتاده است. نسخه نمنگان (A) که، به لحاظ آنکه نسبت به سایر نسخ کامل‌تر است، اساس قرار داده شده است.

شمیم‌خان، محمد، «عبیدالله عبیدی، فارسی‌گویی از دیار بنگال»، سخن عشق، سال پنجم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۸۲، ص ۳۵-۳۹.
در این مقاله، عبیدالله متخلص به عبیدی، شاعر فارسی‌گوی قرن سیزدهم هجری معرفی شده است. وی در شهر داس‌پور چیتوا از بخش میدنی‌پور بنگلادش چشم به جهان گشود. او از خاندانی است منسوب به شهاب‌الدین ابوحفص عمر سهروردی (وفات: ۶۳۲)، مؤسس سلسله سهروردیه در بنگال در دوره خلجیان. عبیدی پس از کسب علوم و معارف اسلامی، در دانشکده هوگلی مشغول تدریس زبان و ادبیات عربی شد. در عین حال، به شعرسرایی فارسی و اردو علاقه داشت. از جمله آثار اوست دیوان فارسی، داستان عبرت‌بار (زندگی‌نامه)، دستور فارسی‌آموز (پنج جلد)، و گلشن دانش.
عبیدی، در شعرهایش، واژه‌ها و ترکیبات و استعارات و تشبیهات عربی و آیات قرآنی را به وفور جا داده است. سبک او متمایل است به سبک سخن‌سرایان خراسانی و عراقی و متأثر است از بازگشت ادبی دوره قاجار. مؤلف، ضمن توضیحات سبکی، به روابط علمی و فرهنگی دیرینه ایران و شبه‌قاره هند می‌پردازد و اشاره می‌کند که در آثار مثنور عبیدی، همسان منشآت

فقه‌اللغة و مسائل واژگانی. نویسنده، سپس، با استقصای در کشف‌الظنون حاجی خلیفه، الفهرست ابن‌ندیم، و الاعلام زرکلی، سیصد و بیست کتاب در حوزه نقد استخراج می‌کند که در پنج موضوع اصلی «نقد زیباشناخت»، «نقد بلاغی»، «سرقات»، «نقد واژگانی و دستوری» و «تحلیل اعجاز قرآن» تألیف شده‌اند. وی، پس از تعریف اجمالی هریک از این مقولات، عناوین مندرج در آنها را برمی‌شمرد. نویسنده این نظر را که علوم عقلی و ادبی را میراث ارسطو و افلاطون و دیگر متفکران یونانی می‌شمارد محل تأمل قرار می‌دهد. در بخش دیگری از مقدمه، مراجع معتبر نقد در چهار قرن اول هجری - جاحظ، ابن‌قتیبه، ابن‌طباطبا و قدامة بن جعفر - معرفی می‌شوند.

در بخش اصلی مقاله، یعنی بررسی نظریه ادبی جرجانی، سه تألیف عمده او - دلائل‌الاعجاز، اسرار‌البلاغه و الرسالة‌الشافیة - و نوشته‌های مهم درباره جرجانی و آراء بلاغی وی، از جمله معالم المنهج‌البلاغه عند عبدالقاهر از محمد برکات حمدی، ابوعلی اردنی و النقد‌المنهجي از محمد مندور برشمرده شده است. «ویژگیهای خاص جرجانی»، «نظریه نظم و قرآن» و «اصول نظریه نظم» مباحث اصلی در این بخش است.

ج. ش. ک.

موسوی، مصطفی، «طرح پایگاه متون زبان و ادب فارسی»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه ۷۵ و ۷۶، سال هفتم، شماره ۳ و ۴، دی و بهمن ۱۳۸۲، ص ۱۰۴-۱۱۱.

اجرای طرح پایگاه اینترنتی متون زبان و ادب فارسی، با هدف تحلیل متن، به سفارش شورای

دیوان ناصر بخاری پیش‌تر، در سال ۱۳۵۳، به کوشش مرحوم دکتر مهدی درخشان در تهران چاپ شده است. اینک، با تصحیح قربانف، که در آن از نسخه‌های دیگری استفاده شده، زمینه برای چاپ مطمئن‌تری از دیوان شاعر فراهم آمده است. ج. ش. ک.

محبّتی، مهدی، «عبدالقاهر جرجانی و نظریه ادبیات»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه ۷۸، سال هفتم، شماره ۶، فروردین ۱۳۸۳، ص ۵۰-۶۱. عبدالقاهر جرجانی (۴۰۱ یا ۴۰۵-۴۷۱ یا ۴۷۴)، از برجسته‌ترین منتقدان ادب عرب و از پایه‌گذاران دو علم معانی و بیان است. صاحب‌نظران شرق و غرب درباره آراء او بسیار تحقیق کرده‌اند. در مقاله، ابتدا، در مقدمه، سیر تکوین نقد ادبی از آغاز تا قرن چهارم و مهم‌ترین جریانات آن را نشان داده و تألیفات در این مبحث را معرفی کرده، سپس به بررسی نظریه ادبی جرجانی پرداخته و، در این باب، به مسائل واژگانی و نحوی و ساختاری و معنایی توجه نموده است. در مقدمه، پس از اشاره به میراث نقد ادبی و مهجور ماندن جرجانی در میان متفکران ایرانی، از دوره‌های ادب اسلامی سخن می‌رود: از ظهور اسلام تا اواخر قرن اول. در این دوره، فرهنگ نقد بیشتر شفاهی و متکی بر ذوق است و می‌توان آن را نقد اخلاقی و متعهد خواند. دوره امویان که سه حوزه مهم حجاز و شام و عراق را در بر می‌گیرد و، در آن، نقد از سنت اندکی فاصله می‌گیرد و از قلمرو نقد اخلاقی صرف بیرون می‌رود. در این دوره، دو مکتب مهم

پدید می‌آید: مکتب کوفیان متمایل به مسائل ساختاری و نحو زبان؛ مکتب بصریان، متمایل به

است در پایگاه وارد می‌شود. ورود اطلاعات در چند مرحله و به تفکیک دوره‌ای یا قرن‌به‌قرن خواهد بود.

برای ورود اطلاعات و اطمینان از صحت اطلاعات واردشده تدابیری اندیشیده شده است که در طرح مندرج است. در طرح، انواع عملیاتی که در ویرایش فنی و آماده‌سازی متن باید انجام گیرد پیش‌بینی شده است.

س.غ.



گسترش زبان و ادب فارسی و با موافقت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، از تیرماه ۱۳۸۱ آغاز شد. این پایگاه، به‌ویژه، برای استفاده پژوهشگران زبان فارسی، ادبیات، تاریخ و دیگر رشته‌های علوم انسانی و پژوهش در زمینه‌های گوناگون فرهنگی به‌خصوص حوزه‌های زبان‌شناسی، دستور زبان، تاریخ زبان فارسی، سبک‌شناسی، نقد ادبی، فرهنگ‌نویسی، فرهنگ تاریخ زبان فارسی، آموزش زبان، واژه‌گزینی و تحقیقات ادبی ایجاد و متونی که تاریخ تألیف آنها پیش از ۱۳۰۰ شمسی

